

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
City and Nature Interactions in the Formation of Old and New Fabrics of
Gorgan with an Emphasis on Landscape Concepts
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

تعاملات شهر و طبیعت در شکل‌گیری بافت قدیم و جدید شهر گرگان با تأکید بر مفاهیم منظر*

امین ماهان^{۱*}، دلارام سعیدی^۲، الهام ابراهیمی^۳، نرگس نوری^۴، آيسان شريفیان^۵، ماندانا ماهروی^۶

۱. استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، ایران.
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، ایران.
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، ایران.
۵. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، ایران.
۶. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱۴ تاریخ اصلاح: ۹۹/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۲۸ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۴/۱۱

چکیده

از دیرباز مکان‌یابی و استقرار شهرها به ساختار طبیعی و اقلیمی منطقه وابستگی داشته است و شکل شهر و منظر و به تبع آن ساختارهای معماری در هماهنگی با ویژگی‌های کالبدی مانند توپوگرافی زمین، پوشش گیاهی و جانوری، آب و سایر عوامل دخیل در اکوسیستم، شکل می‌گیرند. علاوه بر آن، عوامل محیطی همواره در ذهن ساکنین و بهره‌برداران منظر دارای هویت هستند و به آن معنا می‌بخشند. از این‌روست که یک درخت قدیمی، جریان آب و بسیاری دیگر از عوامل منظر در ذهن ماندگار و گاه به صورت نمادین مقدس می‌شوند.

تنوع شکل زمین و رابطه متقابل شهر و بستر، تعاملات محیط و ساختار مصنوع و شکل‌گیری منظر هویت‌مند در بسیاری از شهرهای ایران از جمله گرگان قابل مشاهده است. همجواری با جنگل، رودخانه و کوهستان از جمله ویژگی‌های خاص منظرینی است که در این شهر وجود دارد. از این‌رو این پژوهش بر آن است تا با رویکردی کیفی و بر مبنای تحلیل‌های تفسیری - تاریخی و موردپژوهی به بررسی رویکردهای مواجهه با طبیعت در شهر گرگان بپردازد. لذا پژوهش حاضر که منتج از یک بازدید میدانی گروهی و سه روزه از شهر گرگان بوده و در تلاش است با بررسی متون و منابع مکتوب به شناسایی عوامل اکولوژیک مؤثر در شکل‌دهی منظر شهری گرگان بپردازد و با مطالعه میدانی به بررسی رابطه متقابل این دو باهم پرداخته و وجوه عینی و ذهنی مؤثر در شکل‌گیری منظر اکولوژیک را معرفی کند.

واژگان کلیدی

اکولوژی، گرگان، منظر، شهر.

مقدمه و بیان مسئله

و منظر رابطه متقابل با یکدیگر دارد و تغییر و دخالت در هر یک بر دیگری تأثیر می‌گذارد. هرچند امروزه در بسیاری از شهرهای ایران و به خصوص توسعه‌های جدید شهری توجهی به رابطه شهر و منظر با مفهوم کل نگر آن نمی‌شود.

شهر گرگان با ویژگی‌های اکولوژیک منحصر به فرد و ساختار متفاوت شهرسازی در بافت قدیم و جدید نحوه مواجهه متفاوتی از عنصر مصنوع و منظر را به نمایش می‌گذارد. به نظر می‌رسد بافت

شهرها عموماً در تعامل با اکوسیستم‌های منطقه و عوامل منظرین شکل گرفته‌اند. از این‌رو تعادل زیست‌محیطی شهر

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی گردشگری منظر بومی گرگان است که در سال ۱۳۹۸ در پژوهشکده نظر و به سرپرستی دکتر سید امیر منصوری صورت پذیرفته است.

** نویسنده مسئول: Mahan_landscape@yahoo.com، ۰۹۱۸۳۱۵۶۲۷۷

وجوه عینی منظر پرداخته‌اند.

روش پژوهش

روش پژوهش در این تحقیق بر پایه تحلیل‌های تفسیری-تاریخی و موردپژوهی استوار است. این روش پژوهش در زمره روش‌های ترکیبی به حساب می‌آید. بر این اساس در گام نخست، شهر گرگان و ویژگی‌های منظرین آن معرفی میشوند. در گام دوم منابع کتابخانه‌ای مانند کتاب‌ها و مقالات مرتبط با موضوع پژوهش و نمونه موردی آن که شهر گرگان است بررسی میشوند و در گام سوم مطالعات میدانی و با حضور در مکان معیارهای معیارها و مؤلفه‌های عینی و ذهنی منظر در مواجهه طبیعت و شهر مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

مبانی نظری

• منظر

منظر همواره وابسته به دو عنصر اصلی است که با حذف هر یک، فهم منظر دچار مشکل میشود؛ اول محیطی است که به عنوان کالبد عینی، انسان را در بر می‌گیرد و دوم انسانی است که در صدد درک و فهم محیط بدان ورود می‌کند و در طول زمان در ذهن خود از آن تصویرسازی می‌کند و ذهنیت خود از آن کالبد را شکل می‌دهد. لذا در برداشتی متعالی منظر پدیده‌ای است که به واسطه ادراک ما از محیط و تفسیر ذهن، توأمان حاصل میشود (ماهان و منصور، ۱۳۹۶، ۲۶).

• طبیعت و شهر

شهر، محصول یکجانشینی انسان و تکامل مفاهیم بنیادی ذهن او و ارتباط دوسویه انسان و محیط در طول تاریخ است (منصوری، ۱۳۹۰). شهر جایی است که در آن، تأمین خواسته‌ها و نیازهای انسان بر نیازهای سایر موجودات برتری پیدا می‌کند. شهر، برای انسان موجودی متناقض است؛ از سویی عامل بیگانگی و جدایی او از طبیعت است؛ و از سوی دیگر محیط پیوند و برقراری ارتباط‌های اجتماعی است. در نتیجه، شهر، میان دو قطب طبیعت و جامعه، ایفای نقش می‌کند. طبیعت به عنوان بستر، پذیرای انسان است و با آمیختن با تاریخ انسانی و نظم بشر معنا پیدا کرده و با حضور انسان گره خورده و «مکان» زیستن شده است (رفعت، ۱۳۹۲، ۴۴). امروزه این تعادل کم‌رنگ شده است. طبیعت در خلق مکان و در شهرهای جدید نقش ناچیزی را بازی می‌کند و شهرسازی با نگاهی مدرن، به دور از نقش هویت‌مند و نمادین طبیعت در شهرهای تاریخی، به یکسان‌سازی الگوهای طبیعی پرداخت و نسخه‌ای واحد را برای به مانند معماری برای شهرها تجویز کرد. با این حال فطرت انسان در تلاش است با حضور در شهر و طبیعت و با

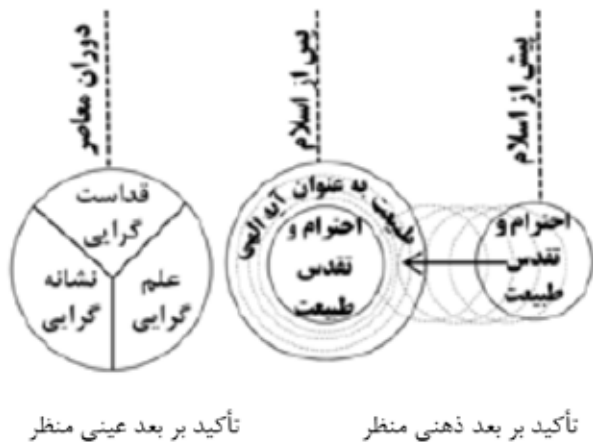
قدیم با ساختاری کاملاً ارگانیک، سعی در برقراری ارتباط عینی و ذهنی با عناصر اکولوژیک منظر داشته و در تعامل با طبیعت شکل گرفته است. در حالی که گسترش‌های جدید با وجود همجواری بیشتر با محیط‌های طبیعی و برقراری ارتباط نزدیکتر با آنها، با دیدگاهی عینی و عملکردی شکل گرفته‌اند و در پروراندن ذهن مخاطب نقشی را بازی نمی‌کنند. مقاله حاضر با بیان مفهوم منظر و بررسی ارتباط شهر و طبیعت به شناسایی رویکردهای مواجهه انسان و طبیعت در شهر گرگان در بافت قدیم و جدید شهر می‌پردازد.

سؤال و فرضیه پژوهش

استقرار شهر گرگان در منطقهای با ویژگی‌های خاص طبیعی و بستر منحصر به فرد، این سؤال را به ذهن می‌آورد که چگونه عوامل طبیعی منطقه در شکل‌گیری فرم شهر و معماری آن مؤثر بوده‌اند و این تعامل در طول زمان چگونه ساختار شهر را تحت تأثیر خود قرار داده است. بر این اساس در نگاه اول گرگان، شهری متعامل با عوامل طبیعی منطقه به نظر می‌آید و ساختار شهر و ذهن ساکنین در ارتباط با عوامل طبیعی است این در حالی است که در نگاه معاصر، با وجود همجواری بیشتر شهر و طبیعت، رویکرد مواجهه با آن تغییر پیدا کرده و شکل شهر را تحت تأثیر خود قرار داده است.

پیشینه پژوهش

با توجه به موضوع، طیف گسترده‌ای از مقالات جمع‌آوری شد. موضوع عمده مقالات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول مقالات و مطالعاتی مانند «تحلیل تحولات کالبدی خانه‌های گرگان در دوران قاجار» نوشته «قلیچ خانی»، «اعتصام» و «مختابادامری»، «گونه‌شناسی کالبدی میدان‌های مرکز محله در بافت تاریخی گرگان» نوشته «موسوی سروینه باغی»، «مرادی» و «رنجبر»، «بررسی جهت مناسب استقرار ساختمان‌ها براساس تابش آفتاب و جهت باد (مطالعه موردی: شهرگرگان)» نوشته «مدیری و همکاران» و تعداد دیگری از این دست مقالات هستند که بر ساختار کالبدی شهر گرگان و بناهای آن تمرکز دارند. دسته دوم مطالعاتی هستند همچون «تدوین استراتژی‌های ساماندهی و طراحی اکولوژیک رودخانه‌های درون شهری با تأکید بر کنترل سیلاب (مطالعه موردی: رود دره زیارت گرگان)» که توسط «حبیبی اردبیلی»، «مثنوی» و «ملک محمدی» نوشته شده است و «بررسی آثار ناشی از توسعه شهر گرگان بر تناسب پهنه‌های دارای ارزش زیبایی‌شناختی» نوشته «سعیدی و همکاران»، که به بررسی علمی یکی از



تصویر ۱. تغییر رویکرد در تعاملات انسان ایرانی و طبیعت در طول تاریخ. مأخذ: نگارندگان براساس فرهی فریمانی و حقیقت‌بین، ۱۳۹۵.

می‌افزاید. مکان‌گزینی آن در نقطه‌ای اختصاصی برای او هاله‌ای از فضای معنوی آفریده که در طول تاریخ و در همه دوران‌ها برای مسلمانان و در سنت زیست آنها محترم شمرده می‌شده؛ زیرا فواید آن برای تنظیم احساسات جامعه شناخته شده است. منظر تک درخت کهنسال در نقطه‌ای استراتژیک از شهرها و روستاهای ایران که فضایی جمعی در پیرامون خود پدید آورده، نمونه بارز منظر ایرانی است (منصوری، ۱۳۹۰، ۵).

• آب

آب علاوه بر وجوه عینی و کاربردی، به عنوان امر مقدس و مظهر خیر، در ایران نقش مهمی دارد. قرارگیری حوض و آبنما در برابر سردر یا در میان حیاط بسیاری از بناهای ایرانی، پدیده‌های منحصر به فرد است. نیایشگاه‌های ایرانیان در کنار چشمه‌های مقدس، مکان‌یابی امامزاده‌ها در جوار چشمه‌های طبیعی و مرکز محله‌هایی که با درخت و مظهر قنات شکل گرفته‌اند، گواهی بر حضور معنوی آب در فضای زندگی جامعه ایرانی است (جوادی، ۱۳۸۶، ۱۵).

• تماشای بیرون

میل ماندگار به ارتباط نزدیک با طبیعت، در هنر، معماری و شهر ایرانیان اثر عمیقی بر جا گذاشته است. از جمله هر جا که ممکن است تا دیدی به طبیعت گشوده شود، گریز از آن روا نخواهد بود؛ برای این امر، معماری ایرانی، ایوان، اندام ویژه «تماشای بیرون» را پدید آورده تا دشت از قاب میان آن جلوه‌گری کند (منصوری، ۱۳۹۴، ۳۰). ذهن ایرانی از طبیعت فارغ نیست و آرامش خیال را در مجاورت با آن جستجو می‌کند. از این‌روست حتی اگر از آن فاصله داشته باشند بدان نظر می‌اندازد و لذت می‌برد.

شهر گرگان

شهر گرگان در عصر ساسانی به صورت قلعه‌ای نظامی با برج و

تصویرسازی در خاطر، ذهنیات منظر را شکل داده و مکانیت فضا را با تاریخ و بستر پیوند زد.

تحول در رابطه انسان ایرانی و طبیعت

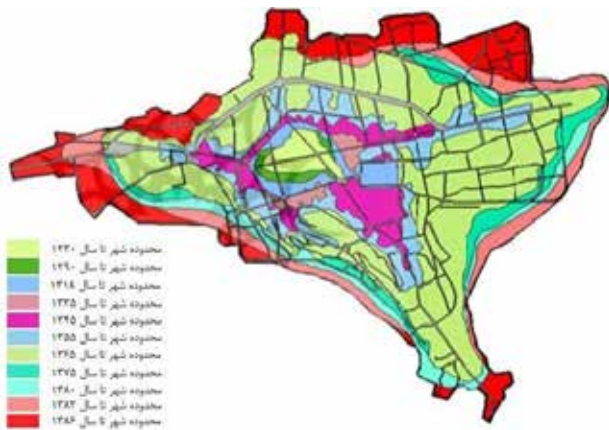
نوع نگاه ایرانیان به طبیعت خصوصاً عنصر «گیاه» در گذشته ریشه در طرز تفکر و جهان‌بینی ایشان نسبت به طبیعت دارد. انسان ایرانی نسبت به طبیعت، فهمی دینی و نگاهی ارزشی داشته و پیوندی درونی با آن برقرار کرده است. در واقع اعتقادات و باورهای ایرانیان سبب شده است که رفتار ایشان در مواجهه با طبیعت در پیش و پس از اسلام حکایت از تقدس طبیعت و احترام به طبیعت داشته باشد (فرهی فریمانی و حقیقت‌بین، ۱۳۹۵، ۴۰). بنابراین نگاه کل‌نگر به طبیعت بکر در میان ایرانیان غالب بوده است و می‌توان تأثیر بعد ذهنی منظر را در این رابطه قوی‌تر دانست؛ درحالی که در دوران معاصر نگاه جزنگر غالب شده و ادراک انسان ایرانی در مواجهه با طبیعت بکر از علم و یافته‌های علمی تأثیر پذیرفته است. از این‌روست که انسان امروز، بر تقویت بعد عینی در حوزه علم می‌پردازد و کمتر بر بعد ذهنی منظر تأکید دارد. تصویر ۱ تغییر دیدگاه انسان ایرانی را نسبت به طبیعت نمایان می‌سازد.

طبیعت و شهر ایرانی

به تبعیت از جهان‌بینی و فرهنگ ایرانی، رابطه ایرانیان با طبیعت و عناصر آن، براساس احترام و همزیستی است. منظر از دل زمینه محیطی، فرهنگی و تاریخی خود به وجود می‌آید و همین امر در شهرهای سنتی موجب پایداری رابطه انسان با شهر شده است (شیبانی و اسماعیل‌دخت، ۱۳۹۴، ۱۵). پیکره شهرهای ایرانی با توجه به محیط و بستر طبیعی شکل گرفته است. با این حال شهرهای ایرانی، اغلب لبه‌ای قاطع با طبیعت دارند. در بیشتر نمونه‌ها، حصار قوی مرز میان شهر و طبیعت را تعریف می‌کند (منصوری، ۱۳۹۵، ۳). طبیعت نمادی ذهنی و نشانه‌ای برای خاطره‌سازی ساکنین شهرهای ارگانیک و سنتی ایران است. در دوران معاصر مطابق با تحولات فکری انسان ایرانی نسبت به طبیعت، رابطه شهر و طبیعت نیز با رویکردی مهندسی و علمی تغییر می‌یابد. طبیعت دیگر نشانه نیست و نقش نمادین و خاطره‌ساز ندارد؛ بلکه عنصری است مصرفی و در بهترین حالت وظیفه‌ای عملکردی دارد که باید در جای خود قرار گیرد و ایفای نقش کند. شهرها دیگر فارغ از تک‌درختان آیینی هستند، در محلات آبی جریان ندارد و ایوان‌ها طبیعتی برای تماشا ندارند.

• درخت

درخت در ذهن ایرانیان فراتر از بعد عینی و علمی آن نقش‌آفرینی می‌کند. تنهایی درخت بر فردیت و مقام او



تصویر ۲. الگوی گسترش کالبدی فضایی گرگان طی سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۶
مأخذ: حسام، پوراحمد و آشور، ۱۳۹۲-۹۶.

معنایی بخشیده است. شهر گرگان نیز از این امر مستثنی نیست و با بهره‌گیری از نشانه‌های طبیعی در شهر، ذهن مخاطب را سازماندهی می‌کند.

• **بستر زمین در گرگان**

بستر زمین در گرگان مبتنی بر شیبی ملایم از سمت جنوب به شمال بوده و شهر در دامنه‌های کوهستانی احداث شده است. از این روست که در معابر شهری و به خصوص در بافت قدیم که عموماً جهت شمالی-جنوبی دارند، شیب قابل مشاهده است و این امر را می‌توان دلیلی بر بهره‌گیری از زیرساخت آبی قنات و بافت ارگانیک و هندسه بیشکل حدود مالکیت در بناهای بافت قدیم دانست. واحدهای مسکونی درونگرا هستند و حیاط به وسیله دو یا سه جبهه بنا محصور شده و ایجاد حیاط مرکزی کرده است (بهزادفر و رضوانی، ۱۳۹۴، ۱۰) و (پاسیان خمیری، رجبعلی و فرخزاد، ۱۳۹۶، ۹۵). بنا معمولاً دو طبقه است و خود را با شیب معابر منطبق کرده و ورودی‌ها با کمترین میزان استفاده از پله شکل گرفته‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد شهر و معماری در گرگان را نمیتوان از زمینه و بستر جدا کرد.

• **درخت در گرگان**

به نظر می‌رسد بستر طبیعی و مجاورت شهر با جنگل‌های هیرکانی در تقویت رابطه شهر و گیاه مؤثر باشد. با این حال مشاهدات میدانی خلاف این حرف را نشان می‌دهد. بدین معنا که چه در بافت قدیم و چه در بافت جدید، اثری از پوشش جنگلی و گونه‌های گیاهی موجود در آن دیده نمی‌شود. در بافت قدیم و در خانه‌های حیاط مرکزی عموماً درختان مرکب خودنمایی می‌کند و در بافت شهری و به خصوص در مرکز محله‌ها، تک درخت‌های آیینی که معمولاً چنار، توت و سرو هستند خود را به نمایش می‌گذارند. این گیاهان هرچند بومی منطقه نیستند، لیکن همنشینی آنها با ساختارهای آبی و معماری، مفهوم محله در معماری ایرانی را تکمیل می‌کنند

باروهای بلند آرایش یافته بود و از قرون اولیه اسلامی تا دوره ایلخانی به طور مداوم در قالب شهر از مراکز مهم سلسله‌های اسلامی زیاریان، علویان، سامانیان و سلجوقیان به شمار می‌آمد (موسوی سروینه باغی، مرادی و رنجبر، ۱۳۹۴، ۷۰). از سویی استرآباد را باید مهد خاندان قاجار دانست. گرگان در دوره پهلوی اول نیز توسط بارویی به طول ۶ کیلومتر محصور بود (صارمی، تقی‌نژاد و پیری، ۱۳۹۵، ۲۴). در حال حاضر تجمع سه محله اصلی سبزه مشهد، میدان و نعلبندان، بافت تاریخی شهر را شکل داده است. با بررسی اسامی محلات شهر می‌توان ساختار هویت بخش عوامل طبیعی را در ذهن مردمان این سرزمین شناسایی کرد^۱. در مرکز محله‌ها عناصری چون بازار، بازارچه، چشمه، آب انبار، مسجد، حمام، مدرسه و گاهی درخت چنار قدیمی وجود داشت (موسوی سروینه باغی، مرادی و رنجبر، ۱۳۹۴، ۷۰). به نظر می‌رسد محدودیت‌هایی از قبیل برج و باروی شهر در غرب و جنوب غرب و همچنین وجود ساختار طبیعی و اکولوژیک جنگل‌های هیرکانی در جنوب، در شکل‌گیری شهر و جهت توسعه آن تا سال ۱۳۳۵ تأثیرگذار بوده است (پوراحمد، حسام، آشور و محمدپور، ۱۳۸۹، ۷) (تصویر ۲).

امروزه زمین‌های خالی در بافت جدید، به اشغال ساختمان‌ها درآمده‌اند و شهر دارای الگوی رشد پراکنده در همه جهات و به خصوص در جهت شمال شرق و جنوب (زمین‌های مرغوب کشاورزی در شمال شرق و باغات و جنگل‌های هیرکانی در جنوب) که باعث آسیب‌رساندن به منابع طبیعی شهر شده است.

تعامل شهر گرگان و طبیعت

شهر گرگان به عنوان یکی مراکز مهم شهری در شمال ایران در پیوندی قابل ملاحظه با طبیعت شکل گرفته است و وجوه منظرین طبیعت بر کالبد ارگانیک شهر تأثیرگذار بوده و در ذهن ساکنین رسوخ کرده است. هرچند امروزه در بافت جدید و الگوهای شهرسازی معاصر، این امر کم‌رنگ‌تر شده و نگاه علمی و کالبدی به شهر و طبیعت، روح مکان را از فضای شهری گرفته است. در ادامه با توجه به الگوهای شهرسازی بافت تاریخی (ارگانیک) و بافت جدید (مهندسی)، شرح مختصری بر بازنمایی مواجهه مظاهر طبیعت و شهر آورده شده است.

منظر گرگان در دوران سنت

دنیای پیش از مدرن سرشار از الگوها و نشانه‌هاست و طبیعت در شکل‌گیری آنها نقش به‌سزایی دارد. این امر با شهرهای دارای بافت ارگانیک گذشته، عجین شده و به آنها محتوایی



تصاویر ۴ و ۵. استفاده از گیاه چنار و توت در مرکز محلات تاریخی عکس: آرشیو ریحانه خرم‌رویی، ۱۳۹۸.

کوچه باریکی به نام «آب سُرشُر» و محله «سرچشمه» شده است. در خارج از بافت شهر، در روستای زیارت نیز محله‌ای به نام «سفیدچشمه» وجود دارد. جالب اینکه نام قدیم روستای زیارت نیز «خواست رود» بوده است (اردلان‌فر، ۱۳۹۴، ۱۲).

• تماشای بیرون در گرگان

در گرگان با وجود ساختار درونگرا در بیشتر خانه‌های بافت تاریخی، «تماشای بیرون» یا «نظرگاه» را می‌توان مشاهده کرد. جنگل‌های جنوب شهر عنصری منظرین در ذهن و خاطر مردمان گرگان است که همواره تماشای آن را لذت‌بخش می‌دانند. بدین ترتیب ساختمان‌ها عموماً دو طبقه هستند و وجود ایوان در طبقات فوقانی امکان دید مناسب به جنگل‌های ناحیه کوهپایه‌ای را فراهم کرده است و در عین حال منظر کوچه را معنادار و دارای نشانه کرده است. از این‌روست که کشیدگی خانه‌ها را عموماً به صورت شرقی - غربی می‌یابیم.^۳ همچنین است افق دید در منظر بازار و کوچه‌های بافت تاریخی که زوایایی از جنگل هیرکانی را در چارچوب دیوارهای معابر قاب می‌کنند و این‌گونه طبیعت را به فضای شهری و کوچه و بازار شهر وارد می‌کند و ذوق زیبایی‌شناسانه مخاطب را تقویت کرده است.

منظر گرگان در دوران تحول

در دوران معاصر، گسترش و توسعه شهر با از میان برداشته شدن حصار سنتی و در سالیان متمادی همانند بسیاری از شهرهای ایران اتفاق افتاده است. تهاجم به سمت زمین‌های خالی و با پتانسیل منظرین بالا از اولویت‌های گسترش است. به این معنا که شهرنشینی که روزگاری از ایوان‌های منازل خود به جنگل با دیده احترام، نظر می‌افکندند، با رویای همجواری با طبیعت بدان ورود کردند و آن را از میان برداشتند و بر آن مسلط شدند. امروزه و در بافت جدید توجه به ساختارهای طبیعی رو به زوال است. معماری و شهرسازی مدرن در محدوده‌های در

و بازنمودی از منظر تک‌درخت و درخت زندگی در اندیشه و ذهن ایرانی است. امروزه با وجود حضور اتومبیل در مراکز محلات، هنوز میتوان درختان چنار و توت محلات سبزه مشهد و سرچشمه را دید (تصاویر ۳ تا ۵).

ارتباط ذهنی قوی بین مردمان این سرزمین و عنصر گیاه را میتوان از نام برخی محلات و کوچه‌ها در بافت قدیم گرگان مانند پاسرو، سبزه مشهد، دوچنار دریافت کرد. بافت جدید هرچند به صورت بی‌قاعده به سمت جنگل کشیده شده است لیکن بازنمودی از آن را در خود ندارد و از نشانه‌های آیینی پیشین بهره‌ای نبرده است.

آب در گرگان

حضور زیرساخت‌های آبی در گرگان قدیم کاملاً مشهود و قابل شناسایی است. چنانکه شهر بر پایه ۸۰ رشته قنات بنا شده است و در سفرنامه‌هایی همچون «ابن حوقل» (۱۳۶۶) و «زاینو» (۱۳۸۳) از رودخانه‌ای پرآب به نام «خرمارود» یاد شده است که آب آن توسط مجاری سنگی به شهر می‌رفته و پلهایی دوسمت رودخانه را به هم وصل می‌کرده است. بازنمود کالبدی ساختارهای آبی در محلات و خانه‌ها نمایانگر حضور آب در زندگی روزمره مردمان است. حمام تاریخی محله میخچه‌گران، قاضی و دباغان و مظاهر قناتی چون سبزه مشهد و سرخواجه نشانه‌هایی کالبدی از این پیوند هستند. در خانه‌ها نیز حوض‌های موجود در حیاط‌های مرکزی، سردابه‌ها و کانال‌های عبور آب، همگی حاکی از این موضوع است. فاصله‌گرفتن بنا از سطح زمین در این مناطق و ایجاد گریه‌رو و سکو برای درامان‌ماندن از آب‌های سطحی و زیرسطحی، است (قلیچ‌خانی، اعتصام و مختاباد امرئی، ۱۳۹۱، ۵۶). این پیوند کالبدی در ساختار ذهنی گرگانی نیز منجر به نامگذاری



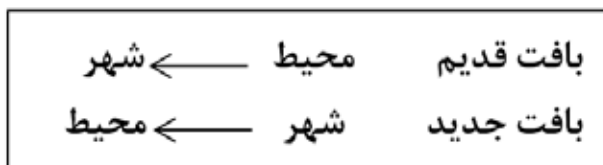
تصویر ۳. استفاده از درختان مرکبات در حیاط خانه. عکس: آرشیو ریحانه خرم‌رویی، ۱۳۹۸

در فضاهای جدید و به خصوص پارک‌های شهری، بدون توجه به اکوسیستم و اقلیم منطقه، گیاهانی انتخاب شده‌اند که مانند الگویی ثابت در تمام شهرهای ایران استفاده می‌شوند. این بی‌هویتی و بی‌توجهی به امر ذهنی منظر را می‌توان در نوع نگاه تاریخ‌گریز مدرنیسم در شهرسازی معاصر ایران جستجو کرد. ماجرای آب با از بین رفتن زیرساخت‌های قدیمی و تغییرات تکنولوژیک از سایر موارد وخیم‌تر است و امروزه اثری از آب و بهره‌گیری از آن در بافت‌های جدید و حتی بافت تاریخی دیده نمی‌شود و به جز اندک حوض‌های نیمه‌پر به جای مانده در خانه‌های تاریخی و مخروبه‌هایی از حمام‌ها، نشانه دیگری از کاربرد آب در شهر مشاهده نمی‌شود (تصویر ۶).



تصویر ۶. گسترش شهر به سمت جنوب و نفوذ در بستر جنگل. عکس: امین ماهان، ۱۳۹۸.

را می‌تراشد. بنابراین دیگر طبیعت عنصر هویت‌مند و ارزشمند در ذهن مخاطب خود نیست. دیگر درختان محتوای آیینی خود را از دست داده‌اند و اثری از تک درخت به عنوان نشانه در شهرها و معابر شهری معاصر دیده نمی‌شود. منظر ذهنی عنصر گمشده در شهرهای معاصر ایران است (تصویر ۷). نگاه مدرنیسم بین‌الملل با آن الگوهای یکسان و فارغ از گذشته، را می‌توان در ردیف درختان چنار (به مانند بسیاری از شهرهای ایران)، در خیابان‌های شهری گرگان دید. اینگونه است که دیگر خبری از درختان قدیمی محلات بافت تاریخی نیز نیست. هرچند هنوز با پرسش از بزرگان محل می‌توان ردپایی از سرو محله پاسرو و چنار سایر محلات را در ذهن و خاطرشان جستجو کرد و نام‌ها هنوز یادآور خاطرات چشمه‌ها و جویبارهای جاری در شهر است و اما امروزه دیگر اثری از



تصویر ۷. جهت‌گیری توسعه در تعاملات فی مابین شهر و محیط پیرامون. مأخذ: نگارندگان.

حال توسعه، با عنایت به رویکردهای عینی و طرح‌های جامع، بی‌توجه به عوارض زمین شکل گرفته و تقسیم بندی‌هایی با هندسه راست‌گوشه و چهارضلعی بر زمین‌های شهری حاکم شده است. این امر در روستاهای اطراف و به خصوص روستای زیارت با شدت بیشتر قابل ملاحظه است. منظر معابر نیز دیگر آن قاب‌های معنی‌دار را در انتهای خود ندارد و صرفاً جنبه کارکردی به خود گرفته است. در معابر شهر مانند بسیاری از شهرهای ایران ردیف درختان چنار خودنمایی می‌کند و درخت، تقدس خود را از دست داده و در حاشیه خیابان‌ها کاشته شده است. شهر به محدوده جنگل تجاوز کرده و بافت جنگل و مرتع را از بین برده تا توسعه شهر امکان‌پذیر شود.

بحث

با توجه به تعاریف منظر و تعامل انسان و طبیعت، می‌توان وجوه عینی و ذهنی منظر را در دو رویکرد شهرسازی فوق‌الذکر بازشناسی کرد. آنچه در مشاهدات میدانی از منظر بافت تاریخی شهر گرگان مشاهده شد، نمایانگر توجه و تأکید بر مفاهیم ذهنی منظر و تأثیرات آن بر ساختار کالبدی و عینی شهر است. به نحوی که با وجود حصار سنتی و جدایی طبیعت از شهر، گرگان سرشار از نشانه‌ها و نمادهای طبیعی مؤثر بر ذهن مخاطب است. فرد گرگانی هرچند در طبیعت سکونت ندارد، لیکن با آن زندگی می‌کند، بر آن نظر دارد و با آن تصویر می‌سازد تا منظر روزانه‌اش را شکل دهد. از این روست که جنگل به سمت شهر گسترش می‌یابد.

لیکن امروز با تغییر دیدگاه در اندیشه و با نگاه کالبدی به منظر، طبیعت تبدیل به سرمایه‌ای جهت بهره‌برداری شده است. طبیعت هرچند هنوز ارزشمند است و انسان را به سوی خود جذب می‌کند، لیکن تغییر دیدگاه از ذهن به عین، آن را تبدیل به کالایی کرده که برای رسیدن به هدف محکوم به نابودی است. بدین ترتیب در روندی خلاف گذشته، انسان به طبیعت نزدیک می‌شود، فضای زندگی خود را به سمت آن گسترش می‌دهد و در این راستا زمین را صاف می‌کند و جنگل

منظر و در جهت تقویت ذهن ساکنین شکل گرفته است. از این روست که عناصر طبیعی در شکل دهی به معماری اثر گذارند و هویت بخش محلات و معابر هستند. آنها مفاهیمی همچون منظر آیینی و نظرگاه را در ساختار شهر تعریف می کنند. بنابراین ذهن مخاطب عنصر هویت بخش و مقدس درخت را می بیند و در ذهن تصویرسازی می کند، با آب در ارتباط است و نام محلات را با مضامین طبیعی به خاطر می سپارد. بعد ذهنی منظر که در تلاش است تا در ذهن مخاطب خاطر سازی و نشانه گذاری کند، در این نوع نگاه دارای اهمیتی ویژه و ممتاز است. از سوی دیگر و با پیشرفت رویکردهای علمی و تأکید بر کالبد محیط، امروزه نحوه مواجهه انسان و طبیعت در شهرها در مقام عینیت تقلیل پیدا کرده است و نهایتاً در بهترین حالت بعد زیبایی شناسانه ساکنین را تقویت می کند. طبیعت تبدیل به سرمایه شده است و انسان خود را بر آن غالب می بیند. نحوه مواجهه انسان مدرن با طبیعت در شهر به مانند سبک بین الملل به سمت یکسان سازی رفته است و این امر هویت را از چهره شهرها زدوده است. لذا به نظر میرسد در مواجهه با این مشکلات در شهرها، بازنگری در بهره گیری از عناصر هویت مند و برقراری پیوند میان طبیعت و انسان با تأکید بر بعد ذهنی آن در منظر، ضروری است.

قنات ها، چشمه ها، حمام ها و سقاخانه های بافت تاریخی نیست و زیرساخت های مربوط به آب کارایی خود را از دست داده اند. از این روست که در بخش سنتی با ساختار ارگانیک شهرسازی، می توان نشانه هایی از تأثیرات ذهنی مناظر آیینی، فرهنگی را در شکل گیری منظر شهری مشاهده کرد. مفهوم ذهنی همچون تماشای بیرون (نظرگاه) نیز فرم و ساختار معماری را متفاوت می کند و در نهایت قلمروهای رفتاری را تحت تأثیر خود قرار می دهد. شهر مدرن هرچند در تلاش است تا مشکلات عملکردی را با بهره گیری از رویکردهای معاصر در شهرسازی برطرف سازد، ولیکن حلقه ای مفقوده در منظر ذهنی دارد که می تواند اعتبار و هویت شهر را در ذهن ساکنین خود نیز کم رنگ کند (جدول ۱).

جمع بندی و نتیجه گیری

آنچه بیان شد شرح حالی از مشاهدات میدانی گروه، منطبق بر مطالعات و داده های علمی، از شهر گرگان بود. به این ترتیب دو نوع رویکرد مواجهه با طبیعت و منظر در بافت قدیم و جدید این شهر قابل شناسایی بوده و به نظر میرسد قابل تعمیم به سایر شهرهای این سرزمین است. بر این اساس در رویکرد اول، شهر سنتی و قدیمی گرگان با بهره گیری و انطباق با عینیات

جدول ۱. بررسی شاخصه های منظر در تعامل طبیعت و شهر در شهر گرگان. مأخذ: نگارندگان.

تعامل طبیعت و انسان	بافت قدیمی	بافت جدید (۱۳۳۵ به بعد)
	توجه به شیب و بستر زمین در جهت گیری معابر و خانه ها و ایجاد بافت ارگانیک شهری	گسترش مطابق با نقشه های علمی و ساختار منطبق بر هندسه
	بهره گیری از زیرساخت های آبی مانند قنات، حمام، سردابه ها و کانال ها و مسیرهای عبور آب در شکل دهی به بافت شهر و دانه بندی معماری	تغییر زیرساخت های آبی و بی نیاز شدن از زیرساخت های پیشین و عدم تبعیت شکل شهر از زیرساخت های آبی
عینیات	بهره گیری از درختان مثمر و کاربردی در فضاهای مسکونی (عموماً مرکبات)	فضای لازم برای کاشت گیاهان در بسیاری از منازل وجود ندارد
	عدم استفاده از گیاهان بومی در بافت شهری (گیاهان جنگلی)	بهره گیری از گونه های گیاهی غیربومی در بافت شهری
	تغییر شکل معماری با توجه به اقلیم و شرایط بستر (ایجاد سکو و گریه رو، معماری درونگرا و دو طبقه)	معماری مبتنی بر اقتصاد و تراکم های موجود در ضوابط شهری
	نام گذاری معابر و محلات بر پایه مفاهیم طبیعی رایج در آن محل مانند پاسرو، سرچشمه، آب شرشر و ...	--
ذهنیات	جنگل مفهومی ارزشمند در ذهن	جنگل به عنوان سرمایه
	تبیین مفهوم نظرگاه در معابر و منازل	مجاورت با طبیعت به جای نظر به طبیعت
	تعریف درختان هویت مند در مراکز محلات و تعریف منظر آیینی برای مخاطب (درختان چنار، توت و سرو)	درخت به عنوان تزیین
رویکرد	بهره گیری از ساختارهای عینی طبیعت در جهت تقویت و تأکید بر بعد ذهنی منظر	نگاه علمی به طبیعت و بهره گیری از عینیات آن به عنوان سرمایه اقتصادی، بی توجه به بعد ذهنی منظر

پی‌نوشت‌ها

۱. محله‌های بزرگ به نام‌های سرپیر، دربنو، سرچشمه، میخچه‌گران، نعلبندان، سبزه مشهد و میدان که دارای چندین محله فرعی مثل پاسرو، میرکریم، دوشنبه‌ای، شیرکش، باغشاه، دباغان، شاهزاده قاسم و غیره هستند.
۲. عوامل دیگری همچون نورگیری از ضلع جنوب و هماهنگی با شیب‌زمین نیز این امر را تقویت نموده است.

فهرست منابع

- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد. (۱۳۶۶). *صوره‌الارض* (ترجمه جعفر شعار)، تهران: امیرکبیر.
- اردلان‌فر، ندا. (۱۳۹۴). نخستین نقشه جغرافیایی استرآباد. *مجله اختصاصی مطالعات فرهنگی*، ۱(۲)، ۶-۱۸.
- بهزادفر، مصطفی و رضوانی، نوشین. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی هنجارهای ریخت‌شناسی شهرسازی اسلامی در بافت تاریخی (موردکاوی: محله سرچشمه شهر گرگان)، *مجله پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۳(۶)، ۳-۲۲.
- پاسبان خمیری، رضا؛ رجبعلی، حسن و فرخزاد، محمد. (۱۳۹۶). سیر دگرگونی فضای بسته، فضای سرپوشیده و فضای باز در خانه‌های تاریخی گرگان از دوره قاجاریه تا پهلوی اول، *مجله مرمت و معماری ایران*، ۷(۱۳)، ۹۱-۱۰۶.
- پوراحمد احمد؛ حسام، مهدی؛ آشور، حدیثه و محمدپو، صابر. (۱۳۸۹). تحلیلی بر الگوی گسترش کالبدی-فضایی شهر گرگان. *نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۱(۳)، ۱-۱۸.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۶). اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت (آب، درخت و کوه). *باغ نظر*، ۴(۸)، ۲۲-۱۲.
- حسام، مهدی؛ پوراحمد، احمد و آشور، حدیثه. (۱۳۹۲). آثار زیست‌محیطی گسترش افقی شهر (مطالعه موردی: شهر گرگان). *نشریه محیط‌شناسی*، ۳۹(۳)، ۹۱-۱۰۴.
- رابینو، هیاسین لویی. (۱۳۸۳). *مازندران و استرآباد* (ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی)، چ ۳، تهران: علمی و فرهنگی.
- رفعت، رسول. (۱۳۹۲). ظرفیت پنهان بوم‌شناسی تلاقی طبیعت و تاریخ در شهر، *مجله منظر*، ۲(۲۲)، ۴۲-۴۴.
- شیبانی، مهدی و اسماعیل دخت، مریم. (۱۳۹۴). *شارباغ ایرانی، جایگاه باغ ایرانی در منظر شهری، مجله منظر*، ۷(۳۳)، ۱۴-۲۱.
- صارمی، حمیدرضا؛ تقی‌نژاد، کاظم و پیری، سیما. (۱۳۹۵). تجلی اصل وحدت در کثرت در مرکز محله شهر اسلامی (مطالعه موردی: میدانگاه عباسعلی شهر گرگان). *مجله مطالعات شهر ایرانی-اسلامی*، ۷(۲۶)، ۲۱-۲۹.
- فرهی فریمانی، مریم و حقیقت‌بین، مهدی. (۱۳۹۵). واکاوی ادراک ایرانیان در مواجهه با طبیعت (مطالعه موردی: بررسی تولیدات علمی در رشته معماری منظر و حوزه هنر و معماری)، *مجله شهر ایرانی اسلامی*، ۲(۴)، ۳۳-۴۲.
- قلیچ‌خانی، بهنام و اعتصام، ایرج و مختاباد امرئی، سید مصطفی. (۱۳۹۱). تحلیل تحولات کالبدی خانه‌های گرگان در دوران قاجار، *هویت شهر*، ۷(۱۶)، ۵۱-۶۲.
- ماهان، امین و منصور، سید امیر. (۱۳۹۶). مفهوم منظر با تأکید بر نظر صاحب‌نظران رشته‌های مختلف، *باغ نظر*، ۱۴(۴۷)، ۴۳-۵۶.
- مدیری، مهدی؛ ذهاب ناظوری، سمیه؛ علی‌بخشی، زهرا؛ افشارمنش، حمیده و عباسی، محمد. (۱۳۹۱). بررسی جهت مناسب استقرار ساختمان‌ها براساس تابش آفتاب و جهت باد (مطالعه موردی: شهر گرگان)، *مجله جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، ۲(۲)، ۱۴۶-۱۵۶.
- منصور، سیدامیر. (۱۳۹۵). منظر ایرانی: رابطه دوگانه، *مجله منظر*، ۸(۳۷)، ۳.
- منصور، سیدامیر. (۱۳۹۰). منظر ایرانی، تقدس بالا، *مجله منظر*، ۳(۱۴)، ۵.
- منصور، سیدامیر. (۱۳۹۴). زندگی رو به دشت، *مجله منظر*، ۷(۳۲)، ۳.
- موسوی سروینه باغی، الهه‌سادات و مرادی، نینا و رنجبر، احسان. (۱۳۹۴). گونه‌شناسی کالبدی میدان‌های مرکز محله در بافت تاریخی گرگان، *شهر ایرانی اسلامی*، ۲(۲۱)، ۶۷-۸۷.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

ماهان، امین؛ سعیدی، دلارام؛ ابراهیمی، الهام؛ نوری، نرگس؛ شریفیان، آیسان و ماهروی، ماندانا. (۱۳۹۸). تعاملات شهر و طبیعت در شکل‌گیری بافت قدیم و جدید شهر گرگان با تأکید بر مفاهیم منظر. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۸(۲۸)، ۳۳-۴۰.



DOI: 10.22034/JACO.2020.218502.1145

URL: http://www.jaco-sj.com/article_109807.html